

ماهیت حقوقی و محدوده مسوولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس جمهور^۱

حسین رحمت‌الهی*

وحید ملکی**

چکیده

قانون اساسی حاصل انقلاب بزرگ ایران است. این سند مکتوب وقتی ارزشمند است، که عملی شود. در خود قانون اساسی راهکارهایی جهت پاسداری از این سند و پیمان‌نامه‌ی ملی طراحی شده است. در این زمینه به‌طور اخص، وظیفه‌ی سنگین اجرای اصول قانون اساسی طبق اصل یکصد و سیزدهم به رئیس‌جمهور سپرده شده است؛ اما با توجه به تنوع و پیچیدگی اصول قانون اساسی، تخصیص این اصول به حوزه‌های گوناگون قدرت، عدم‌ضمانت اجرای کافی در قوانین عادی، امکان خدشه به تفکیک قوا، خدشه به وظایف و حوزه‌ی رهبری و همچنین تفسیرهای مبهم شورای نگهبان از این اصل، در عمل، رئیس‌جمهور در این حوزه‌ی وظیفه‌اش به مشکل برمی‌خورد. با لحاظ این اوصاف، رئیس‌جمهور به عنوان مقام رسمی دوم و منتخب مستقیم مردم، اولاً می‌تواند و باید پاسدار تمام اصول قانون اساسی باشد و به هیچ‌یک از موانع بالا برخورد نکند، ثانیاً میزان ضمانت اجرا و ابزار وی جهت اجرای اصول قانون اساسی با توجه به اصول یکصد و سیزدهم، یکصد و بیست و یکم و سایر قوانین عادی، بستگی به همکاری و تعامل سایر قوا، گسترش فرهنگ احترام به قانون اساسی به عنوان قانون مادر و همت رؤسای جمهور در هر دوره دارد. هم‌چنین رئیس‌جمهور می‌بایست بیشترین حس وظیفه خود را در این حیطه، به اجرای اصول معطل مانده، اصول مشترک با سایر قوا (مثل اصول حقوق ملت در قانون اساسی) و یا اصولی که به حیطه هیچ‌یک از قوا بر نمی‌گردد، معطوف نماید. با این استدلال هم دخالت در وظایف سایر قوا ننموده است و هم زمینه‌ی استقرار حاکمیت قانون و مردم‌سالاری را فراهم نموده است. جهت رسیدن به پاسخ مشخص در این پژوهش، ضمن اشاره به کنترل قانون و حفاظت از قانون اساسی، نقش سایر قوا را در اجرای قانون اساسی دگرگون‌ترین این نظریه، قوانین عادی، نظریات شورای نگهبان و دادگاه حفاظت از قانون اساسی موشکافانه نقد نموده‌ایم. تجربه‌ی سه دهه، اجرای قانون اساسی نشان می‌دهد رؤسای جمهوری ایران در اجرای اصل ۱۱۳ (مسوولیت اجرای قانون اساسی) همواره با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند و در ارائه‌ی راهکار، به منظور اجرایی کردن اصول معطل مانده‌ی قانون اساسی توفیق نداشته‌اند. حتی تشکیل هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی در دولت هشتم نیز راه به جای نبرد و این چالش در اواخر دولت دهم نیز وجود دارد که منجر به تفسیر مجدد شورای نگهبان در سال ۱۳۹۱ شده است. با این فرضیه که رئیس‌جمهور مسوول اجرای قانون اساسی می‌باشد؛ مشخصاً به این نتیجه رسیده‌ایم که مسوولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور محدود به قوه‌ی مجریه می‌باشد. اما با تقدیر گرفتن واژه‌ی نظارت در اصل یکصد و سیزدهم، وظیفه‌ی نظارت ضابطه‌مند بر اجرای قانون اساسی را در تمامی نهادها و ارکان حکومتی حق رئیس‌جمهور می‌دانیم. به نظر می‌رسد نظارت مقام رهبری بر اجرای قانون اساسی می‌تواند این راه نارفته را طی کند. بدون تردید ضمن همکاری سایر نهادها در اجرای قانون اساسی با رئیس‌جمهور، همکاری نهاد ریاست جمهوری به عنوان مسوول اجرای قانون اساسی و نهاد رهبری به عنوان ناظر بر اجرای قانون اساسی در گشودن بن‌بست معطل ماندن برخی از اصول قانون اساسی، مؤثر و راهگشاست. می‌توان گفت که نظارت بر اجرای قانون اساسی ناشی از نظارت (رهبری) بر قوه‌ی مجریه است.

واژه‌های کلیدی: قانون اساسی، اجرا، رئیس‌جمهور، دادگاه عالی صیانت از قانون اساسی، اصل یکصد و سیزدهم.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۲

* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، پردیس قم.

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، پردیس قم و مدرس دانشگاه.

قوانین اساسی با هدف تنظیم روابط دستگاه حکومتی با مردم و تعیین حقوق و تکالیف هر یک، نسبت به دیگری ایجاد شده‌اند. قوانین اساسی بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه می‌باشند^۱، بدین لحاظ این دسته از قوانین از درجه رفیعی برخوردار هستند. در طول حرکت‌های آزادی خواهی در ایران معاصر، حتی در دوره‌ی مشروطیت، با بیداری روحانیون دانشگاه تهران^۲، همواره لزوم یک قانون اساسی با ضمانت اجرای کافی جزء آرمان‌های دل‌سوختگان این مملکت بوده است. صرف اعلام حقوق و آزادی‌ها در قوانین اساسی، نمی‌تواند تضمینی برای اجرای آن باشد^۳. از آنجایی که رئیس‌جمهور، پس از بازنگری سال ۱۳۶۸ قانون اساسی، اختیارات افزون تری یافته و وی نماینده‌ی مستقیم مردم تلقی می‌شود^۴، و علی‌رغم عقیده‌ی عده‌ای مبنی بر سلب اختیار اجرای قانون اساسی از رئیس‌جمهور و تفویض آن به مقام رهبری، به نظر می‌رسد نقش رئیس‌جمهور به عنوان پاسدار قانون اساسی^۵ اصل صد و بیست و یکم قانون اساسی^۶ بیش از پیش دارای اهمیت می‌باشد^۷.

بیان مسأله

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راهکارهایی چند، جهت پاسداری از این سند ارائه داده، اما به‌طور اخص این وظیفه بنا به منطوق اصل یکصد و سیزدهم به شخص رئیس‌جمهور سپرده شده است. با توجه به تنوع و تخصیص این اصول به حوزه‌های گوناگون، تضمین اجرای همه اصول مربوطه، دارای دشواری‌هایی خواهد بود. اصل یکصد و سیزدهم دارای ابهام است و بنا به یک تفسیر موسع از این اصل، باز هم زمینه مشکلات جدی من جمله؛ دیکتاتوری قوه مجریه و خدشه به استقلال قوا را پدید خواهد آورد. حتی با تصویب قانون موضوعه در سال ۱۳۶۵ و ایده‌ی طرح تشکیل دادگاه عالی صیانت از قانون اساسی، این معضل و ابهام، در سال‌های اخیر و بعد از انتخابات دوره‌ی دهم ریاست جمهوری حل نگشته است. ارائه‌ی تحلیل منصفانه و حقوقی از مقوله‌ی اجرای قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور سؤال‌آلاتی در ذهن نگارنده ایجاد کرده بود؛ مانند: ابزارها و ضمانت‌اجراها جهت این امر چیست؟ علل تفسیرهای گوناگون از این اصل چیست؟ نقش سایر قوا در این زمینه و همکاری آنان با رئیس‌جمهور چگونه باید باشد؟ و سؤالات بی‌شمار دیگر، که انگیزه‌ای برای مطالعه این مقوله و سایر قوانین مرتبط و حتی ارائه‌ی جدید و بی‌سابقه از معایب این قوانین و تفسیر جدید از اصل یکصد و سیزدهم، شده است.

فصل اول: صلاحیت‌ها، اختیارات و مسوولیت‌های رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی

طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی وظیفه اجرای قانون اساسی بر عهده رئیس‌جمهور است. اما پس از وضع این قانون در سال ۱۳۵۸ و با اصلاحات سال ۱۳۶۸، هم‌چنان این امر یا به دیده تردید نگریسته می‌شود و یا محفلی برای تفسیرهای گوناگون است به طوری که ماهیت اصلی و میزان اختیار رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی همواره سؤال اصلی کارشناسان حقوقی و غیره بوده و خواهد بود. با عنایت به توضیحاتی که در مورد شخص و پست ریاست جمهوری و اهمیت، نقش، کارکردها، صلاحیت‌ها و وظایف وی داده شد، مسأله اصلی در این است؛ چرا بسیاری از سردمداران و سایر قوا، اجازه نظارت و اجرای قانون اساسی را در آنچه مربوط به این نهادها می‌شود به رئیس‌جمهور نمی‌دهند. از آنجایی که تفسیر قانون اساسی نیز بر عهده شورای نگهبان است، نظر این شورا نیز در این مورد قابل توجه است. اما

۲. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳. کیانوش راد، محمد، تأثیر عدم اجرای قانون اساسی مشروطه و نقش آن در تحول اندیشه و مواضع روحانیت ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۹۸

۴. عباسی، علی، عوامل مؤثر بر تضمین اجرای حقوق و آزادی‌های عمومی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۷۶

۵. متانی بورخیلی، محمدعلی، مسوولیت رئیس‌جمهور در مقابل ملت و مجلس شورای اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۹۰

۶. قاسمی‌ساغند، علیرضا، تعارضات بحث حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با نگاهی ویژه به وظایف و اختیارات رهبری و رئیس‌جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۷۶

شورای محترم، عملکردها و نظریات مختلفی را ارائه داده که توضیح بیشتر را در مباحث بعدی داده خواهد شد. برای مثال در جدیدترین نظری که دبیر محترم شورای نگهبان در سال ۱۳۸۹ در مورد اصل ۱۱۳ ارائه داده، اشاره داشته که موضوع اصل ۱۱۳ قانون اساسی، تنها مربوط به مواردی است که اصلی از اصول قانون اساسی به کلی زمین مانده است، مثل اصل هشتم قانون اساسی درباره امر به معروف و نهی از منکر. علاوه بر این مستفاد از اصل ۱۱۳ قانون اساسی این نیست که رئیس جمهور بتواند در مصادیق جزئیات و وظایف و اختیارات مسوولان مختلف نظام دخالت کند.^۷ بنابراین واقعاً گستره‌ی این مسوولیت تا چه اندازه است؟ چرا هنوز هم و بعد از جریان‌های دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و بحث سازمان نظارت و پیگیری اجرای قانون اساسی که توسط دولت آقای خاتمی مطرح و تأسیس شد، هم چنان این مسأله در اواخر عمر دولت آقای احمدی‌نژاد وجود دارد و به رغم پیش‌بینی مسوولیت اجرای قانون اساسی برای رئیس جمهور، اختیارات و سازوکارهای متناسب با آن را تبیین نکرده‌اند. از این رو در این باره دو نظریه اصلی وجود دارد، نظریه‌ای که دامنه این مسوولیت را محدود به حوزه قوه مجریه می‌داند و نظریه‌ای که این مسوولیت را به همه نهادها و قوا تعمیم می‌دهد.^۸

مبحث اول: قانون اساسی و اجرای آن

در ابتدا ذکر این مطلب در این باب ضروری است که، به قول آندره میشل: ماهیت حقوق عمومی در خصلت نابرابر طلب نهفته است که خود ناشی از طبیعت روابطی است که این حقوق، بنا دارد حدود نظم آن را تعیین کند. به بیان بهتر، قدرت سیاسی و اداری که رسالت آن حفظ منافع عام، و از نیروی دولتی بهره ور است، در یک طرف معادله واقع شده و در سوی دیگر اشخاص خصوصی وجود دارند که از منافع شخصی خود دفاع می‌کنند.^۹ بدین منظور است که وجود یک سری قواعد تضمین کننده حقوق و آزادی‌های شهروندان در مقابل قدرت حاکم، متعین از امکانات سیاسی، قانونی و اجرایی احساس می‌شود، تا با ساماندهی به ساختار حکومت، روابط بین حاکمان و آحاد مردم را منظم و منسجم سازد. این نظامنامه گران سنگ چیزی جز قانون اساسی نیست. در واقع قانون اساسی که به عنوان میثاق جامعه مدنی و سیاسی است^{۱۰}، نیاز به اجرای صحیح و نظارت از یک مقام والا را دارد، که طبق اصل ۱۱۳ بر عهده رئیس جمهور قرار داده شده است. در قانون اساسی، برای هماهنگی و تعامل قوا، مکانیزمی کارآمدتر از قانون اساسی سال ۵۸ پیش‌بینی شده است. رئیس جمهور قبل از بازنگری، در مقام تشریفاتی نسبی بود و طبعاً کلام او در جهت هماهنگ‌سازی نمی‌توانست نافذ باشد. اما بعد از بازنگری قانون اساسی که اختیارات رئیس جمهور در عرصه‌ی قوه مجریه افزایش یافت، وظیفه هماهنگ‌سازی و رفع اختلاف قوا نیز به رهبری داده شد^{۱۱}؛ لذا دست رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی می‌بایست بازتر باشد، هر چند در عمل مشکلاتی که به آن اشاره شد، دارد.

مبحث دوم: رئیس جمهور و اجرای قانون اساسی

طبق اصل ۱۱۳، این وظیفه صراحتاً در اختیار رئیس جمهور قرار داده شده است. این اصل از اصول مهم و با اهمیت قانون اساسی بوده و از جمله اصولی است که در سال ۱۳۶۸ دستخوش تغییرات گشت. لازم به ذکر است که قبل از اصلاحات ۱۳۶۸، اختیارات بیشتری برای وی قایل بودند، چرا که تنظیم روابط قوای سه‌گانه نیز در اختیار وی بود. اما این وظیفه بعد از اصلاحات در اختیار رهبر قرار داده شد. از این جا بود که نقطه عطفی در باب تغییرات و تعبیرات مختلف در باب مسوولیت اجرای رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی آغاز شد. اگرچه از اوایل انقلاب این مسأله همیشه مطرح بود. مسوولیت اجرای قانون اساسی و پاسداری از آن، به زعم ما، مهمترین وظیفه رئیس جمهور است، که در اصول مختلفی

۷. آیه‌الله جنتی، روزنامه جام‌جم ۱۳۸۹/۳/۲۴، ص ۲

۸. اسماعیلی، محسن، نقش رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳، شماره ۲۲، ص ۲۲

۹. می‌یر، لالو، آندره، دومیشل، حقوق عمومی، ترجمه‌ی ابوالفضل قاضی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۱

۱۰. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۳، جلد دوم، ص ۴۵

۱۱. انصاری، مجید، تفکیک و تعامل قوا، مطرح شده در همایش سالانه چهارم و پنجم، هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون

اساسی ۱۳۸۱، ۱۳۷۹، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳، ص ۲۳

از قانون اساسی بیان شده (اصل صد و سیزدهم و صد و بیست و یکم قانون اساسی). چرا که در اصل ۱۲۱، رئیس‌جمهور در پیشگاه قرآن کریم، سوگند یاد می‌کند که پاسدار آن باشد و مسلماً آثار تحلیف شرعی را نیز به دنبال دارد. مسلماً مفهوم پاسداری از قانون اساسی محدود به جنبه‌های اجرایی است. زیرا مراحل تقنینی و تطبیق مصوبات مجلس با قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان می‌باشد (اصل نود و یکم قانون اساسی). ولی بحث مهم، تشخیص دامن‌دهی مسوولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی و نحوه انجام و ابزارهای مربوطه می‌باشد.

فصل دوم: مفهوم اجرای قانون اساسی

اشاره شد که رئیس‌جمهور مسوول اجرای قانون اساسی است. حال پرسش این است: اجرای قانون یعنی چه؟ و محدوده‌ی آن کجاست؟ و اشاره شد که مفهوم پاسداری صرفاً جنبه‌های اجرایی می‌باشد، بنابراین اجرایی شدن اصول قانون اساسی، خواسته‌ی اصل ۱۱۳ قانون اساسی از رئیس‌جمهور می‌باشد. اکثر حقوقدانان بر این عقیده‌اند که رئیس‌جمهور، مسوولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده داشته و در صورت مشاهده نقص، تخلف و یا عدم اجرای اصول قانون اساسی باید با استفاده از ابزارهای مختلف اقدام نماید. لذا در بند بعدی نظریات مختلف را در قالب دکتترین و نظریات علمای حقوق در مورد اجرای قانون اساسی، شرح می‌دهیم تا با نظرات مختلف آشنا شویم.

مبحث اول: دکتترین اجرای قانون اساسی طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی

غالباً حقوقدانان، بر این عقیده‌اند که رئیس‌جمهور اختیار تام را در اجرای قانون اساسی بر عهده دارد و در صورت مشاهده نقض یا عدم اجرای قانون اساسی، ابزارهای مختلف، جهت اقدام دارد.^{۱۲} قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسوولیت‌های رئیس‌جمهور مصوب ۱۳۶۵/۹/۴ مؤید این امر است.^{۱۳} البته در این مورد، نظریه‌ای مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۸ از سوی شورای نگهبان نیز وجود دارد که طبق اصل ۱۱۳، رئیس‌جمهور حق اخطار و تذکر را دارد و منافاتی با بند ۳ اصل ۱۵۶ ندارد.^{۱۴} هرچند در سال ۱۳۶۰ تشکیل واحد بازرسی را جهت این امر مغایر با قانون اساسی دانستند. البته عده‌ای معتقدند، چون رئیس‌جمهور شخص دوم مقام رسمی کشور است، نمی‌توان از وی مسوولیت تمام عیار اجرای قانون اساسی را متوقع بود.^{۱۵} عده‌ای دیگر معتقدند، رئیس‌جمهور موظف است، همه توان و نفوذ خود را برای پیاده شدن قانون اساسی و نیز جلوگیری از نقض آن در هر یک از قوای سه‌گانه، حتی قوه مقننه و قوه قضاییه به کار گیرد و این امر تداخل قوا و منافی اصل تفکیک قوا محسوب نمی‌شود؛ چرا که قانون اساسی این وظیفه را نه به عنوان رئیس‌جمهور بلکه به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور بعد از رهبری، بر عهده‌ی رئیس‌جمهور گذاشته است.^{۱۶} هم‌چنین رئیس‌جمهور، با این که رئیس قوه مجریه است ولی ریاست وی، تمام امور را شامل نشده و حوزه اختیارات رهبر، شامل ریاست وی نیست، پس از دایره شمول اختیارات وی بدین لحاظ خارج است.^{۱۷} موبد این مطلب نظریه تفسیری ۸۲۵۵ مورخه ۱۳۵۹/۹/۱۲ شورای نگهبان می‌باشد.^{۱۸} عده‌ای نیز معتقدند قانون اساسی به تصریح خود، این وظیفه را بر عهده‌ی رئیس‌جمهور قرار داده است؛ لذا مسوولیت و اختیاری بالاتر از رؤسای دو قوه‌ی دیگر که تبلور عمده آن در مسوولیت اجرای قانون اساسی است، هرچند شأن ریاست قوه مجریه بودن وی را در عرض رؤسای قوه مقننه و قضاییه قرار داده و در عین حال نباید تداخلی در وظایف یکدیگر داشته باشند. در واقع به لحاظ شأن و موقعیت رسمی وی می‌باشد، که قانون اساسی، این اختیار را به وی داده است.^{۱۹} حتی به نظر عده‌ای (محمدرضا میرتاج‌الدینی، معاون اجرای قانون اساسی دولت دهم) تشکیل معاونت نظارت بر اجرای قانون اساسی، قانونی بوده و تشکیل این معاونت با نظر تفسیری شورای نگهبان در مورد اصل

^{۱۲}. مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر همراه، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ص ۳۰۸ - ۳۰۹

^{۱۳}. هاشمی، پیشین، ص ۳۰۸

^{۱۴}. مهرپور، حسین، دیدگاه جدید در مسائل حقوقی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۲۱

^{۱۵}. هاشمی، پیشین، ص ۳۵۳

^{۱۶}. ایمانی، عباس، قطمیری، امیررضا، قانون اساسی در نظام حقوقی ایران، تهران، نشر نامه هستی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۷۱۴

^{۱۷}. حسینی، حسن، مقامات عالی قوه مجریه در قانون اساسی ایران و فرانسه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۱۴

^{۱۸}. ساعدوکیل، امیر، عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم کنونی، تهران، مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۴۴۰

^{۱۹}. مهرپور، حسین، رئیس‌جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۰، جلد دوم، ص ۵۲

۱۱۳) نظر تفسیری سال ۱۳۹۱، که به تفصیل بیان خواهد شد) منافاتی ندارد و استدلال ایشان این است که در متن تفسیر اولاً نامی از این معاونت نیاورده، ثانیاً این معاونت، بر اجرای قانون اساسی در محدوده‌ای که تعیین شده است فعالیت می‌نماید. ثالثاً اینکه براساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، یکی از وظایف رئیس‌جمهور، نظارت بر اجرای قانون اساسی است و بر مبنای اصل ۱۲۴ نیز رئیس‌جمهور می‌تواند برای انجام وظایف خود معاونینی منصوب کند. اما به نظر حقوقدان دیگری (سیدمحمد هاشمی)^{۲۰}، ایجاد معاونتی مجزا □ در نهاد ریاست‌جمهوری برای اجرای این اصل قانونی محل ایراد است و این که نظارت رئیس‌جمهور یا نظارت تصمیم‌گیرانه است یا ارشادی. در خصوص قوه مجریه و نهاد تحت مدیریت رئیس‌جمهور، نظارت‌ها تصمیم‌گیرانه است اما در مورد سایر قوا این نظارت ارشادی است و رئیس‌جمهور تنها می‌تواند به سایر قوا اخطار دهد. اما عده‌ای دیگر از حقوقدان‌ها (از جمله دکتر علی‌اکبر گرجی) از اساس، اعطای این اختیار را محل ایراد دانسته‌اند. با این استدلال که در نظام حقوقی ایران، رئیس‌جمهور مقام سیاسی دوم کشور است و فاقد ویژگی‌ها و صلاحیت‌های رئیس‌جمهور در کشوری مانند فرانسه است. در نظام سیاسی جمهوری ایران ویژگی‌های رئیس‌جمهور بیشتر به ویژگی‌های نخست‌وزیر شباهت دارد. نتیجه آنکه، اعطای ((مسئولیت اجرای قانون اساسی)) به مقام سیاسی دوم اصولاً توجیه‌پذیر نیست^{۲۱} □ در این میان نظریات متناقضی نیز در این مورد وجود دارد که مسئولیت اجرای قانون اساسی را صرفاً شکلی دانسته و نظارت اعم را در این مورد به شورای نگهبان می‌دهد. تنها معنایی را که از مسئولیت اجرای قانون اساسی جاری می‌دانند، اجرای نظرهای شورای نگهبان در مواردی است که مخالفت با اصول قانون اساسی را اعلام می‌دارد. این امر را حتی از ویژگی خود قوه مجریه و ریاست آن منبعث می‌دانند^{۲۲}. بدین لحاظ و با وجود چنین تفسیرهایی و عملکرد شورای نگهبان در تفسیر این اصل، بر آن شدیم تا تحلیلی بیشتر و واقع‌بینانه‌تر نسبت به این مقوله داشته باشیم و چرایی این که مثلاً در تاریخ ۱۳/۶/۱۳۸۴، طی نامه‌ای مکتوب از سوی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی خطاب به دکتر محمود احمدی‌نژاد (رئیس‌جمهور وقت) اعلام و نظر ایشان را به ادامه‌ی فعالیت آن خواسته‌اند، اما ایشان نظری نداده و دوره‌ی فعالیت آن پایان پذیرفت^{۲۳} □ اما مجدداً در پایان دوره ریاست‌جمهوریشان این موضوع را بازگو نموده‌اند. در این خصوص مسائل جدید و سؤالات زیادی در این خصوص وجود دارد. چرا عملکرد رؤسای‌جمهور در این زمینه متفاوت بوده؛ برای مثال آقای خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۷۶ این هیأت را با تصور اجرای هر چه بهتر قانون اساسی ایجاد می‌کند^{۲۴} و تلقی ایشان از این اصل، دامنه‌ی گسترده‌ای بود. با این مقدمه برای تحلیل هر چه بیشتر، به بررسی اصل ۱۱۳ و مبنای قانونی اجرای قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور در مباحث بعدی پرداخته خواهد شد.

مبحث دوم: بررسی تحلیلی اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی

طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی: ((پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.)) این اصل یکی از اصول مهم بوده که در آن مراتب و موضوعات زیر نهفته است:

- ۱: رئیس‌جمهور دومین مقام رسمی کشور است.
 - ۲: مسئولیت قوه مجریه کشور، بین دو مقام عالی‌رتبه نظام یعنی رهبر و رئیس‌جمهور تقسیم شده است.
 - ۳: اجرای اصول قانون اساسی بر عهده رئیس‌جمهور است.
 - ۴: اختیارات اجرایی رهبر، احصاء شده بنابراین سایر موارد اجرایی به صورت کامل از اختیارات رئیس‌جمهور □ می‌باشد.
- این اصل قبل از بازنگری سال ۱۳۶۸ اختیارات بیشتری را برای رئیس‌جمهور اعلام نموده بود. اما بعد از تصویب

^{۲۰} به نقل از سایت خبر نیوز مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۰

^{۲۱} گرجی، علی‌اکبر، "هیأت نظارت بر اجرای قانون اساسی: تاملی درباره اصل ۱۱۳ قانون اساسی"، سایت شخصی دکتر گرجی، مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۹۱. <http://dr-gorji.ir>

^{۲۲} عمیدزنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی، تهران، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۹۳

^{۲۳} مهرپور، حسین، وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی، تهران، نشر ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰

^{۲۴} پیشین، ص ۳۰۸

اصلاحات ۱۳۶۸، برخی اختیارات من جمله تنظیم روابط قوای سه گانه حذف، در اختیار مقام رهبری قرار داده شد که شرح آن در مباحث قبلی داده شد. قانون اساسی هنگامی در جامعه اثربخش خواهد بود که اهداف عالیه خود را تضمین نماید و قابلیت لازم جهت اجرا شدن را داشته باشد وگرنه این قانون، از بی قانونی بدتر خواهد بود.^{۲۵} بدین لحاظ است که قانون اساسی باید ضمانت اجرا داشته باشد. اما واژه‌ی عالی ترین که در این اصل آمده است را عده‌ای به مسامحه گرفته‌اند و اشاره دارند که وی نسبت به رؤسای قوه قضائیه یا مجلس برتری ندارد.^{۲۶} اما آنچه مسلم است به علت جایگاه اصیل ملی و رأی مستقیم مردم به شخص رئیس جمهور، ایشان دارای شأن و منزلت ویژه‌ای بوده و باید اختیارات، حقوق و تکالیف بی شماری داشته باشد. از جمله این ویژگی خاص، مسوولیت خطیر ایشان جهت اجرای قانون اساسی می باشد.

فصل سوم: مبانی قانونی وظیفه رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی

در این قسمت به معرفی مبانی قانونی مربوط به مسوولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی می پردازیم.

مبحث اول: سوگند رئیس جمهور

طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی، رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می شود، سوگندنامه‌ای که حاوی معیارهای اخلاقی و وجدانی است، امضا می کند. در این سوگندنامه به حفظ حرمت اشخاص و حقوق ملت طبق قانون اساسی اشاره شده است. مهم ترین مطلب این سوگندنامه، پاسداری از قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور است. ملاحظه می شود که کثرت و شدت تعهدات رئیس جمهور، تا آن حد سنگین است که وی تنها از طریق ادای سوگند، خداوند بصیر را شاهد و ناظر اعمال خود در مقابل ملت قرار می دهند.^{۲۷}

مبحث دوم: اصل یکصد و سیزدهم

در مورد اصل ۱۱۳، به تفصیل در فصل های قبلی توضیح داده شد. همان طور که اشاره شد، ایشان در موقعیت ممتازی قرار دارد. لذا این جایگاه نه تنها از حدود اختیارات وی خارج نیست بلکه مقام وی، این مسوولیت را ایجاب می کند.

مبحث سوم: قوانین عادی

سومین منبع قانونی مسوولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی، قانون تعیین حدود و اختیارات و مسوولیت های رئیس جمهور مصوب آبان ۱۳۶۵ است. فصل دوم این قانون به عنوان مسوولیت های رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی، چهار ماده را به این عنوان اختصاص داده و هم چنین جهت پاسداری از قانون اساسی، راهکارهای عملی را بیان نموده است.

فصل چهارم: تسری اصل یکصد و سیزدهم نسبت به سایر قوا

همان گونه که مطرح شد اصل ۱۱۳، رئیس جمهور را مکلف به اجرای اصول قانون اساسی دانسته است. اما محدوده این مسوولیت تا کجاست؟ آیا وی می تواند در سایر قوا دخالت کند یا خیر؟ در این باره دو گونه نظریه مطرح شده که آن را در قالب مسوولیت مطلق و محدود طرح می کنیم.

مبحث اول: مسوولیت مطلق

طبق این نظریه، مسوولیت اجرای قانون اساسی کلی و عمومی است و براساس ظاهر اصل ۱۱۳، این مسوولیت نسبت به کلیه قوا و نهادهای شاغل جاری است. اما پرسش این است که آیا رئیس جمهور عملاً می تواند از عهده این مسوولیت

^{۲۵} شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۳۴

^{۲۶} یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۵۹۰

^{۲۷} هاشمی، پیشین، ص ۲۷۵

برآید؟ در پاسخ باید گفت: رئیس‌جمهور، مظهر حاکمیت ملی و دومین مقام رسمی کشور است. این امر متضمن توجیهات قابل توجهی است که این مقام را توجیه می‌کند و چون در اصل ۱۱۳ تخصیصی وارد نشده و به خصوص شورای نگهبان در قانون مصوب ۱۳۶۵ هم بر همین اساس این اختیار رئیس‌جمهور را تأکید نموده است، اطلاق عموم را از آن برداشت می‌کنیم^{۲۸} هم‌چنین این اختیار به منزله‌ی تخطئه اصول قانون اساسی نبوده و چون تفکیک‌قوا در کشور ما، نسبی و بر مبنای همکاری و تعامل قوا می‌باشد، لذا تذکر رئیس‌جمهور در این باب، هیچ‌گونه تعارضی با اصل تفکیک‌قوا ندارد.

مبحث دوم: مسوولیت محدود

طبق این نظریه، رئیس‌جمهور صرفاً به اعمال وظایف قانونی خود در قوه مجریه و طبق اصول قانون اساسی، باید پردازد و تفویض این اختیار باعث ورود لطمه خواهد شد. حتی اعتقاد دارند، قانون مصوب تعیین اختیارات و مسوولیت‌های رئیس‌جمهور و اظهارهایی که رئیس‌جمهور در این باب می‌دهد، صرفاً سیاسی و تبلیغاتی می‌باشد و اثر حقوقی ندارد^{۲۹}. در بیان این نظریه دلایلی چند ارائه می‌شود:

۱. پذیرش مسوولیت مطلق رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی، با اصل ۵۷ و اختیارات رهبری در تضاد خواهد بود.

۲. اصل ۱۱۳ در مقام بیان محدوده‌ی ریاست شخص رئیس‌جمهور در فصل قوه مجریه می‌باشد، لذا دایره‌ی مشمولیت وی در همان باب تعبیر می‌شود.

۳. دیدگاه شورای نگهبان در خصوص توسعه اختیارات رئیس‌جمهور و نیز قانون مصوب مذکور به قبل از اصلاحات ۱۳۶۸ برمی‌گردد، در حالی که این دیدگاه تغییر و از اقتدارات وی در سایر قوا، کاسته شد.

۴. مسوولیت، دائرمدار حق و اختیار بوده و در جایی می‌توان از مسوولیت صحبت کرد که چنین اختیاری در همان مورد برای آن شخص باشد، اما رئیس‌جمهور تکلیفی نسبت به سایر قوا ندارد؛ پس چگونه می‌توان مسوولیت اجرای قانون اساسی را در مورد سایر قوا مطالبه نمود.

نتیجه آن که به نظر می‌رسد، کلیه‌ی مستندات نظریه‌ی خطیر در تضاد صریح اصل ۱۱۳ و ۱۲۱ و نوعی تمسک به اجتهاد در مقابل نص می‌باشد؛ چرا که قانون اساسی حتی در بازنگری خود، در صورت فقدان رئیس‌جمهور، چنین بازنگری را ممنوع اعلام کرده^{۳۰} اصل صد و سی و دوم قانون اساسی^{۳۱} و بر نقش رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی صحه گذاشته است.

مبحث سوم: تعارض اصل ۱۱۳ با تفکیک‌قوا

از جمله ایرادات ذکر شده در بند قبلی، تعارض اصل مذکور و دایره شمول نظارت وی نسبت به سایر قوا بود که باعث خدشه به اصل تفکیک‌قوا می‌باشد^{۳۲} اصل پنجاه و هفت و صد و پنجاه و شش قانون اساسی^{۳۳}. اشاره شد که تفکیک‌قوا در جمهوری اسلامی ایران، تفکیک نسبی و مظهر همکاری و نزدیکی قوا در رابطه‌ی قوه مقننه و مجریه می‌باشد. در حقیقت فلسفه‌ی تفکیک‌قوا، شکسته شدن قدرت بین ایادی متعدد به منظور جلوگیری از تمرکز قدرت در یک و کانون واحد است^{۳۴}. در همین تفکیک نسبی، در جمهوری اسلامی ایران، قوه مقننه بر مجریه نظارت دارد. حال چطور نمی‌توان حق نظارت رئیس‌جمهور را به عنوان مقام دوم کشور بر سایر قوا قبول نداشت. اما عده‌ای بر این عقیده‌اند

^{۲۸}. رهامی، محسن، روزنامه ایران، صفحه‌ی سیاسی، مورخ شنبه ۱۳۸۱/۶/۹

^{۲۹}. علی‌خانی، علی‌اکبر، نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی پژوهش دانشگاه امام صادق (ع)، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۲۳، ص ۲۲

^{۳۰}. هاشمی، محمد، قانون اساسی، مسوولیت اجرا و تفکیک‌قوا، مطرح شده در همایش سالانه چهارم و پنجم، هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳، ص ۴۳

که جمله‌ی رئیس‌جمهور مسوول اجرای قانون اساسی است، لغو بوده^{۳۱} و اگر حذف می‌شد مشکلات برداشته می‌شد. چرا که در اصلاحات ۱۳۶۸ نیز، تنظیم روابط قوای سه‌گانه به مقام رهبری داده شد و از عهده رئیس‌جمهور بر نمی‌آمد؛ لذا وجود این قید (مسئولیت اجرای رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی) علاوه بر خدشه به اصل تفکیک قوا از جهت اشراف رهبری بر قوای کشور، در تعارض با اختیارات رهبری می‌باشد. این بحث را در فصل بعدی پی می‌گیریم.

فصل پنجم: قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور^{۳۲}

این قانون تنها راهکار قانونی در مورد نحوه‌ی اجرای اصل یکصد و سیزدهم می‌باشد. بخشی از اصول قانون اساسی ما، برگرفته از قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه است. در قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه، ماده‌ی ۵ وجود دارد که اصل ۱۱۳ قانون اساسی ما دقیقاً ترجمه‌ی همان ماده است. ترجمه آن عبارت است از: رئیس‌جمهور احترام قانون اساسی را مراقبت می‌کند. در قانون اساسی ما ترجمه شده است: رئیس‌جمهور، مسوول اجرای قانون اساسی است. اما در فرانسه ماده‌ی ۵ را چگونه تفسیر کرده‌اند؟ آیا در فرانسه رئیس‌جمهور طبق این اصل می‌تواند هر جا تخلفی دید، وارد چارچوب قلمرو پارلمان شود؟ در احکام دادگاه‌ها دخالت نماید؟ یا هیأت نظارت تشکیل دهد؟ که البته تاکنون در فرانسه هیچ رئیس‌جمهوری برای نظارت و پیگیری اصول قانون اساسی هیأتی را تشکیل نداده است^{۳۳}. فایده‌ی بحث تطبیقی در این است که ما بسیاری از نهادها و سازمان‌های حقوق اساسی مان را از فرانسه گرفته‌ایم؛ مثل نهاد استیضاح، اصل یکصد و سیزدهم، رأی اعتماد و پس در ابتدا ضمن اشاره به لایحه تعیین حدود اختیارات و وظایف ریاست‌جمهوری، ایرادات وارده بر آن را نیز اشاره می‌کنیم؛ چرا که این قانون تنها راهکار قانونی جهت اجرای اصل فوق‌الذکر می‌باشد.

مبحث اول: بررسی لایحه تعیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور مصوب ۱۳۶۵

اشاره شد از میان وظایف رئیس‌جمهور، مسئولیت اجرای قانون اساسی و پاسداری از آن بیش از همه مورد بحث قرار گرفته و قانون‌گذار عادی با هدف تبیین و تعیین حدود وظایف رئیس‌جمهور، قانونی را در ۱۳۶۵ به تصویب رسانید. در سال‌های گذشته، بحث ناکارآمدی قانون فعلی در اجرای قانون اساسی و جلوگیری از نقض آن از سوی دولت و جمعی از فعالان سیاسی مطرح شده^{۳۴} و به دنبال آن، لایحه اصلاحیه قانون مذکور از سوی دولت تنظیم و به مجلس ارائه گشت، که در ادامه شرح داده می‌شود.

مبحث دوم: طرح مطلب

اصل ۱۱۳ با اقتباس از قانون اساسی فرانسه، قاعده نظارت اجرایی رئیس‌جمهور را بر اصول قانون اساسی مطرح نموده است. رئیس‌جمهور فرانسه ضمن این که فرمانده کل قوا می‌باشد، حتی می‌تواند مجلس شورای اسلامی را منحل نماید، پس دارای اختیارات فراوان تر از رئیس‌جمهور ایران می‌باشد؛ لذا این مسوولیت مذکور را به عهده‌ی وی گذاشته‌اند. با توجه به نکات یاد شده و از آنجا که قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران راهکار عملی و مشخصی در این باره پیش‌بینی نکرده است؛ همواره این نقیضه مشهود بوده که رئیس‌جمهور چگونه می‌تواند با تکیه بر اصل یکصد و سیزدهم و سوگندنامه‌ی خویش (اصل صد و بیست و یک قانون اساسی) توان و نیروی کافی خویش را برای اجرای اصول قانون اساسی به کار برد؟ از بدو تصویب قانون اساسی، تلقی از این اصل همواره دغدغه رؤسای جمهور بوده و به همین جهت، برای حل اختلافات، قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری تصویب شد. اما با وجود تصویب این قانون، هنوز ابهاماتی وجود داشته و چون تفسیر اصول قانون اساسی از وظایف شورای نگهبان می‌باشد (اصل نود و هشتم قانون اساسی)، ابتدا به نظرات شورای نگهبان اشاره می‌کنیم.

۳۱. عمیدزنجانی، عباسعلی، رئیس‌جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی، مجله‌ی حکومت اسلامی، سال ششم، شماره دوم، ص ۵۶

۳۲. مجموعه‌ی قوانین سال، چاپ روزنامه رسمی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۷

۳۳. کاشانی، سید محمود، تفکیک قوا، بررسی لایحه‌ی تعیین حدود اختیارات رئیس‌جمهور، مجله‌ی کانون و کلا، زمستان، ۱۳۸۸، شماره ۱۷۸، ص ۷۸

۳۴. هدایت‌نیا، فرج‌الله، نقد و بررسی لایحه اصلاح قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری، مجله‌ی رواق اندیشه، شماره ۱۵، ص ۷۶

فصل ششم: تلقی شورای نگهبان نسبت به اصول یادشده

در بررسی مسوولیت های رئیس جمهور، متوجه تأیید مسوولیت رئیس جمهور در ارتباط با سایر قوا در راستای حفظ و حراست اجرایی از اصول قانون اساسی می شویم. در واقع مسوولیت اجرایی قانون اساسی نوعی پاسداری اجرایی بوده و این نقطه مقابل پاسداری تقنینی شورای نگهبان است.^{۳۵} حتی عده ای بند ۳ اصل ۱۵۶ را که اشاره به نظارت بر حسن اجرای قوانین توسط قوه قضائیه دارد را عام دانسته و شامل نظارت بر اجرای قانون اساسی می دانند. بنابراین رئیس جمهور مسوول اجرای قانون اساسی و قوه قضائیه ناظر بر رئیس جمهور می دانند.^{۳۶} به هر حال برای نمونه به چند مورد از تلقی شورای نگهبان به عنوان مفسر قانون اساسی اشاره می کنیم:

مبحث اول: موضوع وضع قوانین توسط شورای عالی قضایی

در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۲ شورای عالی قضایی نسبت به اختطاری که رئیس جمهور به آن شورا کرده بود، نامه ای به شورای نگهبان ارسال داشت. در آن نامه به اصل ۱۵۶ قانون اساسی یعنی نظارت بر حسن اجرای قوانین توسط قوه قضائیه اشاره شده بود و آن را در تعارض با اصل ۱۱۳ قانون اساسی می دیدند. شورای نگهبان در پاسخ تفسیری کوتاهی به عمل رئیس جمهور صحه گذاشت. نظر شورای نگهبان که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۸ به شورای عالی قضایی اعلام شده بدین شرح است: ((رئیس جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ حق اختطار و تذکر را دارد و منافاتی با بند ۳ اصل ۱۵۶ ندارد^{۳۷})).

مبحث دوم: موضوع تعزیرات حکومتی

در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ شورای نگهبان لایحه قانونی تعزیرات را که از سوی مجلس تصویب شد، بدین جهت که اکثریت اعضای شورای عالی قضایی شرکت نداشتند، مغایر بند ۲ اصل ۱۵۷ قانون اساسی اعلام کرد. اما رئیس مجلس بدون اعتنا به این امر و پس از گذشت ۱۰ روز با این استدلال که شورای نگهبان در مهلت مقرر اظهار نظر نکرده برای امضا به ریاست جمهوری ارسال کرد و مصوبه به اجرا درآمد. ولی شورای نگهبان این مصوبه را غیرقانونی و در راستای اصل ۱۱۳ از رئیس جمهور خواست که از اجرای آن جلوگیری نماید. رئیس جمهور نیز دستور توقف اجرای لایحه را صادر نمود. این تعبیر شورای نگهبان از اصل ۱۱۳ در این قضیه، بیانگر زاویه ای وسیع از اصل مذکور و حتی جلوگیری از روند مغایر قانون اساسی در ارتباط با قوه قضائیه و مقننه است.^{۳۸}

مبحث سوم: تشکیل واحد بازرسی

بعد از پایان دوره اول ریاست جمهوری، رئیس جمهور وقت (آیه الله سیدعلی خامنه ای) جهت اجرای هر چه بهتر قانون اساسی، از شورای نگهبان، استفساریه جهت تشکیل واحد بازرسی خواستند. اما شورای نگهبان علی رغم قبول این وظیفه و براساس اصل ۱۱۳ و حتی ضمانت اجرای سؤال و خواستن توضیحات، در انتهای نظر خود اعلام داشت: ((تشکیل واحد بازرسی در ریاست جمهوری، با قانون اساسی مغایرت دارد)). در نتیجه گیری شورای نگهبان، تناسبی بین صدر و ذیل جوابیه شورای نگهبان وجود نداشت. یعنی در مقدمه به گونه ای وظیفه رئیس جمهور را شرح می دهد که انتظار تجویز یک واحد بازرسی می رود، ولی در ذیل، عدم تجویز واحد بازرسی ویژه را قرار می دهد.^{۳۹}

مبحث چهارم: هیأت نظارت بر قانون اساسی و تشکیل این معاونت از سوی دولت دهم

محمود احمدی نژاد در اواخر سال ۱۳۹۰، حکم راه اندازی مجدد هیأت نظارت بر قانون اساسی را ابلاغ و محمدعلی حجازی را به عنوان عضو و دبیر هیأت نظارت بر اجرای قانون اساسی منصوب نمود؛ که در سال اول ریاست جمهوری

^{۳۵}. هاشمی، پیشین، ص ۳۹۲

^{۳۶}. هاشمی، حسین، *قانون گرایی از شعار تا واقعیت*، مجله ی رواق اندیشه، شماره ۱۱، ص ۶

^{۳۷}. مهرپور، پیشین، ص ۲۱

^{۳۸}. مهرپور، حسین، *دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی*، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۹۹

^{۳۹}. مهرپور، حسین، *رئیس جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی*، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۰، جلد اول، ص ۸۴

خود، در بهمن ۸۴ ضرورتی به فعالیت این هیأت که در دوره خاتمی تشکیل شده بود، ندید و آن را منحل کرد. جناب آقای احمدی نژاد ۶ سال بعد با وجود مخالفت‌ها و انتقادات نسبت به تشکیل هیأت نظارت بر قانون اساسی، این هیأت را تشکیل داد و طی حکمی اعضای آن را منصوب نمود. این اقدام رئیس دولت در شرایطی صورت گرفت که شورای نگهبان پیش از ابلاغ رئیس جمهور، صراحتاً مخالفت خود با این مصوبه را اعلام کرده بود. عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در یک نشست خبری گفته بود: «(نظر شورا در این زمینه همان نظری است که در ادوار گذشته، درباره اقدام مشابه یکی از رؤسای جمهور اعلام کرده بود. نظر مخالف شورای نگهبان هنوز به قوت خود باقی است و جدیداً در این رابطه بررسی جدیدی انجام نشده است)»^{۴۰} در این میان، دولتی‌ها با تکیه بر اصل ۱۱۳ قانون اساسی، نظارت بر این قانون را جز وظایف رئیس جمهور عنوان می‌کردند و این اقدام وی را تلاشی در جهت اجرای قانون اساسی و اقتدار نظام می‌دانستند. محمود احمدی نژاد نیز با شرکت در جلسه این هیأت، به نوعی به آن رسمیت بخشید و تشکیل این هیأت را گامی در جهت تبیین قانون اساسی در کشور عنوان نمود. احمدی نژاد نیز بی‌توجه به انتقادات، معاونت اجرای قانون اساسی را تأسیس و آن را به زیرمجموعه معاونت‌های ریاست جمهوری اضافه کرد. وی در توجیه این اقدام خود نیز گفت: «(برخی می‌گویند چرا دولت در سال آخر مسوولیتش به فکر ایجاد معاونت اجرای قانون اساسی افتاده است و بنده در پاسخ می‌گویم که اتفاقاً این بهترین زمان برای چنین اقدامی بود و اگر در سال اول روی کار آمدن دولت این معاونت ایجاد می‌شد، این شائبه پیش می‌آمد که این اقدام برای منافع خود دولت انجام شده است در حالی که امروز این شائبه وجود ندارد و برای همه آشکار است که چنین اقدامی «برای مصالح نظام و کشور» انجام شده است)» □ اما با گذشت چهار ماه از تشکیل این هیأت، شورای نگهبان که پیش از این نیز، نظر خود درباره تشکیل این هیأت را عنوان کرده بود، در پاسخ به درخواست هیأت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه درباره بررسی اختیارات ریاست جمهوری بر اجرای قانون اساسی، نظر خود را اعلام کرد. در نامه‌ای که منتشر کرده، آورده است: «(رئیس جمهور را موظف به نظارت بر مواردی که قانون اساسی، تشخیص برداشت نوع و کیفیت اعمال اختیارات و وظایفی را به عهده مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آن‌ها اختیارات یا وظیفه‌ای محول نموده است، نمی‌دانیم و تشکیلات مرتبط با این قضیه، غیرقانونی است)» □ گفتنی □ است در جریان ارائه نظر نهایی شورای نگهبان، یکبار هیأت عالی حل اختلاف و □ تنظیم روابط سه قوه، طی نامه‌ای، نظر مقام معظم رهبری را جویا شدند و حجت‌الاسلام گلپایگانی (رئیس دفتر مقام رهبری) نیز این موضوع را از سوی رهبر به شورای نگهبان واگذار □ نمود تا نظر نهایی به ایشان ابلاغ شود □ سوالات این گونه مطرح شد: «(نظر به اینکه اخیراً پیرامون اصل یکصد و سیزده قانون اساسی مباحثی نزد صاحب‌نظران و مسوولان کشوری مطرح شده و در جهت اجرایی شدن آن، اقدامات چندی انجام گرفته که موجب بروز سؤالات و ابهاماتی در این خصوص شده، خواهشمند است دستور فرمایید موضوع در دستور کار شورای محترم نگهبان قرار گیرد تا با تفسیر اصل مزبور به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

۱. □ با عنایت به اصل تفکیک قوا و وجود نهادهای مسوول در قانون اساسی که هر یک سهمی از نظارت و اجرای آن را بر عهده دارند، مقصود از مسوولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی چیست؟
 ۲. آیا در مسوولیت اجرای قانون اساسی، رئیس جمهور می‌تواند از ابزارهایی مانند تشکیل نهاد و سازمان خاص برای نظارت و پیگیری عدم اجرای اصول قانون اساسی استفاده کند؟
 ۳. آیا مفهوم مسوولیت اجرای قانون اساسی شامل مسوولیت و پیگیری نقص آن نیز می‌شود؟»
- اما پاسخ شورای نگهبان: «(عطف به نامه شماره ۹۱/۳۱/۴۶۹۰۹ مبنی بر اظهار نظر تفسیری در خصوص اصل یکصد و سیزده قانون اساسی، موضوع در جلسه مورخ ۹۱/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌گردد □
۱. مستفاد از اصول متعدد قانون اساسی آن است که مقصود از مسوولیت اجراء در اصل ۱۱۳ قانون اساسی امری غیر از نظارت بر اجرای قانون اساسی است □
 ۲. □ مسوولیت رئیس جمهور در اصل ۱۱۳ شامل مواردی نمی‌شود که قانون اساسی تشخیص برداشت نوع و کیفیت

^{۴۰} به نقل از سایت خبر آن‌لاین نیوز، مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۰

اعمال اختیارات و وظایفی را به عهده مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آنها اختیارات یا وظیفه‌ای محول نموده است □

۳. در مواردی که به موجب قانون اساسی، رئیس‌جمهور حق نظارت و مسوولیت اجراء ندارد، حق ایجاد هیچ‌گونه تشکیلاتی را هم ندارد □))

فصل هفتم: گستره‌ی قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری

نهایت امر، پس از تمام اختلاف‌نظرهای موجود، هیأت دولت با تهیه لایحه‌ای قانونی سعی در ایجاد راهکاری مناسب جهت اجرای تعهدات رئیس‌جمهور نمودند. قانون مذکور مصوب آبان ماه ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی، طی چهار ماده، در فصل دوم خود به مسوولیت‌های رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی اشاره کرده است، تا ضمن تأکید بر وظیفه‌ی پاسداری از قانون اساسی برای رئیس‌جمهوری، راهکارهای عملی به وجود آورد. این قانون رهنمودها و مراحل را مشخص کرده که مرحله‌ی نخست، کشف، بازرسی و پیگیری و مرحله‌ی بعدی، اقدامات لازم در صورت توقف یا عدم اجرای قانون اساسی و مرحله‌ی آخر، تذکر و اخطار به قوای سه‌گانه می‌باشد، که شرح آن در ذیل خواهد آمد.

مبحث اول: کشف، بازرسی و پیگیری

اولین گام عملی، موثر و کارآمد برای شخص رئیس‌جمهور طبق قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور، کشف و پیگیری نقص قانون اساسی می‌باشد. طبق ماده ۱۳، رئیس‌جمهور می‌تواند در زمینه‌ی اجرای قانون اساسی، کسب اطلاع نماید، بر نحوه‌ی اجرای قانون اساسی نظارت کرده و در صورت لزوم، بازرسی نماید. ایشان می‌تواند، موضوع را پیگیری و در هر صورت اقدام لازم دیگری را انجام دهد. مطابق این ماده، قانونگذار اختیار وسیعی را به رئیس‌جمهور داده و اقدامات وی را در این زمینه دخالت در قوای دیگر تلقی ننموده است. البته عده‌ای به استناد همین ماده، استدلال نموده اند که این امر مستلزم دخالت او در کار قوای دیگر است و این مغایر با استقلال قواست. البته همان‌گونه که قبلاً استدلال شد این تلقی به نوع نگرش آن‌ها به مسوولیت مطلق و گسترده‌ی رئیس‌جمهور و یا مسوولیت محدود وی در اجرای قانون اساسی برمی‌گردد و گفته شد که مسوولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی عام و فراگیر است^{۴۱}؛ چرا که قانون اساسی پایه و اساس قوانین است و لازم است که به هیچ وجه، مورد تعرض قرار نگیرد و این وظیفه به صراحت اصل ۱۱۳، بر عهده‌ی رئیس‌جمهور می‌باشد.

مبحث دوم: اقدامات لازم در صورت توقف یا عدم اجرای قانون اساسی

در صورتی که مشخص شود در جریان کسب اطلاع و بازرسی، اصلی از اصول قانون اساسی مورد تجاوز قرار گرفته است، به حکم ماده‌ی ۱۴، رئیس‌جمهور باید هرگونه اقدام مقتضی را معمول دارد. این ماده دست رئیس‌جمهوری را باز گذاشته است و اشاره دارد که رئیس‌جمهور می‌تواند از مقام مسوول، علت را جویا شود و مقام مسوول موظف است پاسخ مشروح را به رئیس‌جمهور ارائه دهد. در صورتی که پاسخ قانع‌کننده نباشد، اشخاصی را که تحت نظارت مستقیم خود باشند (از جمله وزراء و کابینه) می‌تواند مستقیم عزل کند (اصل صد و سی و ششم قانون اساسی) و اگر سایر اشخاص باشند، پرونده را به مراجع صالح ارسال می‌نماید.

مبحث سوم: اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه

ماده ۱۵ قانون مذکور، به رئیس‌جمهور جهت اجرای صحیح قانون اساسی، حق تذکر و اخطار را روا داشته است. در واقع رئیس‌جمهور حق تذکر به قوه مقننه و قضائیه را در جهت حفظ حقوق شهروندی و اصول قانون اساسی خواهد داشت؛ چون به طور مطلق این اختیار به وی داده شده. پس حتی در صورت مصلحت، می‌تواند به صورت علنی جهت تأثیر بر افکار عمومی و روشننگری در خصوص اصول قانون اساسی، به این امر اهتمام ورزد. اگرچه این اقدام

۴۱. طاهری جلی، محسن، **قانون اساسی، نظارت، اجراء، مجله‌ی راهبرد**، ۱۳۷۹، شماره ۱۸، ص ۲۱۹

رئیس‌جمهور فاقد ضمانت اجرا می‌باشد ولی جنبه اطلاع‌رسانی دارد و اثرات قابل توجهی را به دنبال خواهد داشت.

مبحث چهارم: اعلام آمار موارد توقف، عدم اجرا یا نقض قانون اساسی

رئیس‌جمهور اگر مقتضی و مؤثر تشخیص دهد، می‌تواند موارد تخلف را سالانه به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند. طبق ماده ۱۶ قانون مذکور، رئیس‌جمهور، مراتب را به اطلاع مجلس می‌رساند و این اطلاع‌رسانی به نمایندگان مردم و نیز در جلسه علنی، سبب راهکار مستقیم در اطلاع‌رسانی به عموم مردم می‌باشد و تأثیر بسزایی بر افکار عمومی دارد. به هر حال با توجه به عنوان عامل اقدام مقتضی، که در ماده ۱۴ قانون مذکور برای رئیس‌جمهوری پیش‌بینی شده، در این زمینه هم رئیس‌جمهور به دادن گزارش، صرفاً به مجلس شورای اسلامی محدود نبوده و می‌تواند با استفاده از راهکارهای مؤثر دیگر، اقدامات خود را سامان دهد. بحث در این مورد به پایان می‌رسد. اما جالب است بدانیم، این قانون با تمام مزایای خود همچنان دارای معایبی بوده که شرح داده خواهد شد. لذا مجدداً هیأت دولت در سال ۱۳۸۱، اصلاحیه‌ای پیشنهاد دادند تا معایب آن را برطرف سازند، اما غافل از آن که از ضمانت اجرای سیاسی روی برگردانده و به ضمانت اجرای قضایی و اداری روی آوردند. لایحه اخیر اصلاح قانون مزبور، همان‌طور که اشاره خواهد شد، مغایر با قانون اساسی می‌باشد.^{۴۲}

فصل هشتم: انتقادات و ایرادات وارده به قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری

بعد از تصویب این قانون برخی از صاحب‌نظران^{۴۳} اشکالاتی را مطرح کردند. در مجلس ششم، لایحه‌ی اصلاحیه‌ای جهت این قانون پیشنهاد شد، که در گفتار بعدی به ذکر آن خواهیم پرداخت. اما در این گفتار به بررسی اشکالات این قانون پرداخته و پی به عدم موفقیت قانون مزبور خواهیم برد.

مبحث اول: ایرادات ماهوی قانون

گفتار اول: عنوان قانون

به نظر می‌رسد، خود عنوان مطرح شده؛ یعنی تعیین حدود و اختیارات ریاست‌جمهوری دارای مشکل می‌باشد. این امر در اختیار قانون اساسی می‌باشد و نه قانون عادی. در واقع قوه‌ی مقننه که خود ناشی از قانون اساسی است، نمی‌تواند موضوعاتی به قانون اساسی اضافه نماید. حدود اختیارات هر دولت در مقابل افراد را، اصول قانون اساسی مشخص می‌کند، لذا تعیین این حدود توسط قوه‌ی مقننه، توجیه حقوقی ندارد.

گفتار دوم: دلیل قانون

استدلال کرده‌اند که جهت رفع ابهام از اصل ۱۱۳، دست به تدوین قانون مزبور زده‌اند، در حالی که این اصول خود کفا بوده و در خود متن این اصول، اشاره‌ای به بسط خویش، توسط قانون عادی نشده است. برای مثال در اصل یکصد و شانزدهم، اجرای انتخابات ریاست‌جمهوری را موکول به تصویب قوانین عادی نموده است.

گفتار سوم: نقض برابری قوه مقننه و مجریه

اشاره شد که در نظام ما، قوای کشور با همکاری و تعدیل یکدیگر، مکمل یکدیگر هستند و این تعامل نباید منجر به برتری قوه‌ای به قوه‌ی دیگر شود. در حالی که طبق این قانون نوعی تعیین تکلیف مجلس نسبت به قوه‌ی مجریه دیده می‌شود. در حالی که واضح است مجلس حق ندارد برای رئیس‌جمهور تعیین وظیفه نماید.

گفتار چهارم: غفلت از نقش افکار عمومی در این قانون

^{۴۲}. هدایت‌نیا، فرج‌الله، نقد و بررسی لایحه اصلاح قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری، مجله‌ی رواق اندیشه، شماره ۱۵، ص ۳۴

^{۴۳}. کاشانی، پیشین، ص ۷۳

در این قانون اشاره‌ای به افکار عمومی نشده و فقط ضمانت اجرای خود را، روش‌های کم‌اثر اداری می‌داند. در واقع در این قانون آمده است؛ رئیس‌جمهور در صورت مشاهده تخلف، پرونده را به مرجع صالح ارسال دارد. پس این یک نوع تحدید اختیارات بوده و راهکار مناسبی نخواهد بود.

گفتار پنجم: ابهام در ارجاع به مراجع صالح قضایی

در این زمینه طبق ماده ۱۴ قانون مزبور، پرونده‌هایی که از طریق عادی امکان پیگیری نباشد را احاله به مرجع صالح کرده است. آیا مراد از مرجع صالح، دادگاه عمومی یا دادگاه اختصاصی جهت این امر، خواهد بود؟ البته بحث حاضر را در نتیجه‌گیری و راهکارها در این تحقیق، به صورت مفصل‌تری مورد رسیدگی قرار می‌دهیم.

مبحث دوم: ایرادات شکلی

- ایرادات شکلی را در این قانون را می‌توان به این صورت خلاصه کرد:
۱. نیاز به تصویب قانون عادی در اصل ۱۱۳ اشاره نشده است.
 ۲. جملات موظف و مکلف، نسبت به رئیس‌جمهور نامناسب است.
 ۳. ماده‌ی ۱۱۳، به نحوی تفسیر قانون اساسی است، حال آن که تفسیر قانون اساسی بر عهده‌ی شورای نگهبان است.
 ۴. ماده‌ی ۱۵ تعبیر دیگری از اصل ۱۱۳ است، که زاید به نظر می‌رسد.

مبحث سوم: پاسخ به اشکالات مطرح‌شده

از آنجایی که قانون اساسی یک قانون کلی می‌باشد و ذکر جزئیات و تفصیل مطالب، بر عهده‌ی مجلس قرار دارد، به قوانین اساسی، قوانین خاص و سازمان‌دهنده و به قوانین مجلس، قوانین عمومی اطلاق شده است (هاشمی، پیشین ۱۳۱). پس مجلس که دارای صلاحیت عام در قانونگذاری بوده و در عموم مسائل می‌تواند قانون وضع کند (اصل هفتاد و یکم قانون اساسی)، لذا توانسته است در راستای اصل ۱۱۳، به تصویب قانون مذکور بپردازد. از این منظر می‌توان به جهت این که مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور، به رفع ابهام از اصل ۱۳۳ پرداخته است، توجیه حقوقی یافت. اما در پاسخ موضوع نقض برابری قوای مقننه و مجریه، نمونه‌های بسیاری در وضع قوانین وجود دارد که از سوی قوه مقننه، ایجاد تکلیف برای دولت شده است؛ مثلاً در قانون مربوط به جلب سرمایه‌های خارجی در ماده هفت^{۴۴}، دولت را مکلف به وضع آیین‌نامه نموده است. این امر به منزله‌ی نقض اختیارات قوه‌ی مجریه محسوب نمی‌گردد. هم‌چنین در مورد افکار عمومی، قانون مزبور را نمی‌توان در تعارض با حق رئیس‌جمهور نسبت به رابطه‌اش با مردم و فشار افکار عمومی دانست. رئیس‌جمهور هرگاه اراده نماید، می‌تواند مطالب خود را در مورد نقض قانون اساسی با مردم در میان بگذارد. چنانکه در دوره‌ی ریاست‌جمهوری آقای خاتمی، اعتقاد به دفاع از جمهوری اسلامی در چارچوب قانون اساسی از طریق افکار عمومی، داشتند^{۴۵}.

فصل نهم: دلایل ضعف قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری

مهم‌ترین ضعف‌های قانون، که مانع اثربخشی آن شده است، شامل موارد زیر است:

مبحث اول: در بازنگری اصول قانون اساسی

قانون مذکور در سال ۱۳۶۵ به تصویب رسید و با بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، وضعیت این قانون دچار ابهام گشت. اصل یکصد و سیزدهم سابق، عبارت تنظیم قوای سه‌گانه را در اختیار رئیس‌جمهور می‌دانست. لذا عبارت تذکر، اخطار و ... در قانون مذکور با وجود این قید (تنظیم روابط سه‌گانه) هماهنگ بود. شاید به همین علت است که

^{۴۴}. قانون جلب سرمایه‌های خارجی مصوب ۱۳۳۴

^{۴۵}. مهرپور، حسین، رئیس‌جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۰، جلد دوم، ص ۳۶

عده‌ای^{۴۶} در سال‌های نه چندان دور، ادعا کرده‌اند، رئیس‌جمهور طبق قانون اساسی، اختیار تذکر، اخطار و اجرای قانون اساسی را ندارد. به نظر می‌رسد این استدلال صحیح نبوده، چرا که رئیس‌جمهور طبق اصل ۱۲۲ قانون اساسی، بعد از اصلاح، دارای مسوولیت مضاعف حقوقی _ سیاسی گشته است. همچنین طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی، وی هم‌چنان پاسدار قانون اساسی می‌باشد. پس قانون مزبور هم‌چنان می‌تواند دارای کارآیی مناسب باشد.

مبحث دوم: حذف برخی سمت‌ها

از آنجایی که قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور، مصوب سال ۱۳۶۵ می‌باشد؛ لذا قانون مذکور، اشاره به برخی پست‌ها مثل نخست‌وزیری و رابطه‌ی وی با سایر وزراء دارد. بعد از بازنگری، هدایت وزراء در اختیار رئیس‌جمهور قرار گرفته و نیازی به اعلام تخلف ایشان به مجلس وجود ندارد و رئیس‌جمهور در هر وضعیتی می‌تواند وزراء را عزل کند (اصل صد و سی و ششم قانون اساسی).

مبحث سوم: افزایش قدرت اجرایی رئیس‌جمهور

قبل از بازنگری، ریاست هیأت وزیران با نخست‌وزیر (اصل صد و سی و چهارم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸) بود، که این اختیار به رئیس‌جمهور داده شد. عده‌ای استدلال می‌کنند با افزایش اختیارات اجرایی رئیس‌جمهور در بازنگری قانون اساسی، ضرورتی برای اختیارات بیشتر وجود ندارد، حال آن که رئیس‌جمهور علاوه بر این که مقام خود را از مردم کسب می‌نماید، بیشترین نظارت را بر خود تحمل می‌کند. لذا شایسته است به قدر مسوولیت خویش، دارای اختیارات کافی باشد.

مبحث چهارم: عدم ضمانت اجرا

این قانون صرفاً، محدود به تذکر، اخطار، ارائه‌ی آمار شده و فاقد جنبه‌های تضمینی می‌باشد. لذا از آن‌جا که یکی از ارکان اصلی هر قانون، داشتن ضمانت اجرای کافی، جهت اجرایی نمودن آن می‌باشد، فقدان این جنبه، باعث کم اثر شدن آن شده است. شاید یکی از جهات اصلاح این قانون، بعد از تصویب آن، فقدان همین خصیصه‌ی تضمینی بوده است. به همین جهت در بحث بعدی، لایحه پیشنهادی در سال ۱۳۸۱ را بررسی می‌کنیم.

فصل دهم: بررسی لایحه پیشنهادی سال ۱۳۸۱

برای جبران ضعف لایحه‌ی تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری، هیأت وزیران در مورخه‌ی ۱۳۸۱/۶/۲۷، اقدام به تهیه متن اصلاحی و تقدیم آن به مجلس نمود. ابتدا به بررسی اصطلاحات و نکات جدید این لایحه و سپس نقاط ضعف آن، می‌پردازیم.

مبحث اول: اصطلاحات و نکات جدید

گفتار اول: ایجاد تشکیلات اداری و نظارتی

هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، توسط این قانون، برای اولین بار رسمیت یافت. در ماده‌ی ۱ متن پیشنهادی هیأت وزیران، به ماده‌ی ۱۳ قانون سابق، تشکیل هیأتی به نام هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی را اضافه کردند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در دوره‌ی آقای آیت‌الله خامنه‌ای، در خصوص تشکیل واحد بازرسی، جهت نظارت بر اجرای قانون اساسی، از شورای نگهبان، استفساریه درخواست شد که این شورا، تشکیل این واحد را مغایر قانون اساسی تشخیص داد^{۴۷}. علاوه بر این، در لایحه پیشنهادی، مهلت دو ماهه به دستگاه‌های حکومتی، جهت توضیحات و ارائه اسناد قرار داده است و عبارت کلیه دستگاه‌های حکومتی، شامل تمامی قوا می‌باشد. هم‌چنین در ذیل ماده‌ی ۱ اصلاحیه مجازات انفصال از خدمات دولتی نیز، جهت متخلفین، از این ماده در نظر گرفته شده است. بنابراین

^{۴۶}. الهام، غلامحسین، روزنامه ایران، مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۳

^{۴۷}. مهرپور، پیشین، ص ۸۴

قانونگذار با پذیرش نوعی و کالت ضمنی برای هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، درصدد بوده که کارکرد قبلی و بعدی آن را، قانونی جلوه دهد.

گفتار دوم: اقدامات تأمینی

در ماده‌ی دو لایحه اصلاحیه و در راستای اصلاح ماده‌ی ۱۴ قانون سابق، نوعی اختیار ویژه به رئیس‌جمهور داده شده است تا ضمن دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده خلاف قانون اساسی، مراتب را به بالاترین مقام مسوول برساند. این اختیار شامل کلیه ی قوا و نهادهای حکومتی می‌باشد و حتی می‌تواند علت توقف، نقض یا عدم اجرا را خواستار و مقام مسوول می‌بایست ظرف دو ماه پاسخ مشروح خود را با ذکر دلیل، به اطلاع رئیس‌جمهور برساند. در این خصوص، لایحه جدید، پیشنهاد مجازات فرد خاطی را برای بار اول، یک تا سه سال و در صورت تکرار، به انفصال دائم از خدمات دولتی داده است (ماده‌ی ۲ لایحه اصلاحیه سال ۱۳۸۱ قانون تعیین حدود و اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور، سال ۱۳۶۵).

گفتار سوم: اشراف نسبی بر احکام قضایی

قوه‌ی قضاییه می‌بایست در صدور احکام خویش، نسبت به اجرای اصول قانون اساسی اهتمام ورزیده و در صورتی که تخلفی نماید با کنترل رئیس‌جمهور مواجه خواهد شود. در این باره رئیس‌جمهور، پس از کسب نظر از کارشناسان هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، اگر تصمیم قضایی صادره را، مغایر قانون اساسی ملاحظه نمود، درخواست نقض آن را به شعبه‌ای از دیوان عالی ارجاع می‌دهد. این موضوع علاوه بر منحصر بودن، نوعی اقتدار رئیس‌جمهور نسبت به احکام قضایی را به دنبال دارد و چه بسا این اقدامات، منجر به کاهش نقش قضات و استقلال قضایی (اصل صد و پنجاه و ششم قانون اساسی) طبق اصول قانون اساسی شود.

گفتار چهارم: پذیرش مسوولیت مدنی دولت

پذیرش این مسوولیت برای دولت، از مهم‌ترین زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی و اداری کشور محسوب می‌شود. در حقیقت، پذیرفتن جبران خسارت نهادهای حکومتی در حق مردم، راه تحقق حکومت مردم بر مردم را هموار می‌سازد^{۴۸}. در همین راستا، تعیین بودجه‌ای خاص، نسبت به جبران خسارات وارده به شهروندان در نتیجه نقض حقوق اساسی (مطرح شده در لایحه‌ی اصلاحیه) نوعی عمل به قانون و پشتیبانی از حق و گسترش عدالت (اصل صد و بیست و یکم قانون اساسی) می‌باشد.

گفتار پنجم: ارتباط با افکار عمومی

اشاره شد قانون ۱۳۶۵ در زمینه‌ی اطلاع‌رسانی و ارتباط با افکار عمومی، سکوت پیشه نموده است. به همین جهت، ماده‌ی ۱۶ اصلاحیه، در ادامه‌ی ماده‌ی ۱۶ قانون سابق، اعلام داشته است که: ((رئیس‌جمهور می‌تواند گزارش نقض اصول قانون اساسی را در جلسه علنی مجلس مطرح کند و همچنین می‌تواند مستقیماً مردم را در جریان عدم اجرا یا نقض قانون اساسی و اقداماتی که انجام داده، قرار دهد)).

مبحث دوم: ایرادات وارده به لایحه پیشنهادی سال ۱۳۸۱

ضمن بیان تمامی محاسن اصلاحیه‌ی مذکور و ایجاد ضمانت‌اجراهای قوی در این راستا، اشکالات مختلفی به لایحه یاد شده، وارد شده که در قالب نقض استقلال قوه‌ی قضاییه و دیکتاتوری قوه مجریه بر سایر قوا، شرح می‌دهیم.

گفتار اول: نقض استقلال قوه قضاییه

طبق اصل ۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه قوه‌ای مستقل می‌باشد. قانون اساسی راهکارهایی را برای تضمین این

^{۴۸}. ابوالحمد، عبدالحمید، حقوق اداری ایران، تهران، نشر سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۵۴۱

استقلال پیش‌بینی نموده است که عبارت‌اند از:

۱. رئیس قوه قضائیه منصوب رهبری بوده و تکلیفی نسبت به سایر قوا ندارد (اصل صد و پنجاه و هفتم قانون اساسی).
 ۲. امور اداری و استخدامی قوه قضائیه، مستقل از قوای دیگر است.
 ۳. در این قوه، خبری از سؤال و استیضاح نیست.
 ۴. قوه قضائیه از طریق سازمان بازرسی کل کشور بر قوه مجریه، اشراف دارد.
- این در حالی است که احتمال ورود قوه مجریه به پرونده‌های قضایی و جرح و تعدیل آن‌ها توسط شعبه‌ای از قضات بانفوذ، وجود داشته و گونه‌ای از اشراف بر قوه قضائیه را ایجاد می‌نماید.

گفتار دوم: شکل‌گیری نوعی دیکتاتوری قوه مجریه

برخی بر این باورند، چنان‌چه لایحه مزبور به این شکل تصویب شود، قوه مجریه به استناد این لایحه، به هر صورت که بخواهد به بهانه‌ی صیانت از اصول قانون اساسی، وارد عمل شده و ضمن جوسازی علیه سایر قوا، به تعدیل اختیارات سایر قوا می‌پردازد و به نوعی دیکتاتوری قوه مجریه، منجر می‌شود. در مقابل، عده‌ای با استناد به راهکارهای این قانون، مسوولیت حقوقی رئیس‌جمهور را در قبال اصل یکصد و سیزدهم، افزایش داده و به ایجاد هر چه بیشتر و بهتر قانون اساسی، اعتقاد دارند. این عده^{۴۹} (من جمله دکتر پارسا) معتقدند، قانون مزبور، منجر به دیکتاتوری قوه مجریه نشده و اهرم‌های نظارتی رئیس‌جمهور، احتمال سرکشی مشارالیه را کاهش می‌دهد؛ لذا واگذاری این اختیار و تصویب این اصلاحیه، ضروری خواهد بود.

فصل یازدهم: ایجاد دادگاه قانون اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب در این تحقیق، ابتدا در این مبحث، به طراحی دادگاه قانون اساسی که مقدمه‌ای در باب نتیجه‌گیری خواهد بود، اشاره خواهیم نمود. در زمینه‌ی اجرای هر چه بهتر قانون اساسی و اجرای آن توسط رئیس‌جمهور، در کنار پیشنهادهای همچون؛ اصلاح قوانین عادی در جهت اجرای اصل ۱۱۳، حمایت فرهنگی از قانون اساسی و لزوم بازنگری در قانون اساسی، پیشنهاد طراحی دادگاه قانون اساسی می‌شود. گرچه این پیشنهاد در دوره‌ی چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی داده شد و رأی نیاورد. لذا در این تحقیق به ایراد نکات آن و پیشنهاد لازم، جهت اصلاح آن می‌پردازیم.

مبحث اول: طراحی دادگاه قانون اساسی

اشاره خواهد شد که عده‌ای در قالب بازنگری در اصول قانون اساسی، در صورتی که در آینده صورت بگیرد، طراحی دادگاه قانون اساسی را پیشنهاد می‌دهند. کارویژه‌ی این دادگاه، رسیدگی به تخلفات قانون اساسی است. مسأله‌ی کنترل و نظارت، نسبت به قانون اساسی، یک مسأله حیاتی و حساس است، لذا باید قضاتی در این امر دخالت داده شوند که از لحاظ اجتماعی، دانش و تجربه‌ی قضایی، سوابق مثبتی داشته باشند. این مهم؛ یعنی احترام به اصول قانون اساسی و دست‌یابی به دولت قانونمند، از طریق ایجاد الزام، برای احترام گذاردن به هنجارهای برتری، که نظام حقوقی تماماً بر آن شالوده، استوار باشد، امکان‌پذیر است.^{۵۰} احکام بر مجموعه‌ی قانونگذاری، باید در سایه‌ی اصول کل آن مجموعه، تفسیر و معنی شود. واژه‌های منع تفتیش عقاید، منع شکنجه، منع هتک حرمت و ... شعار و ادبیات نیست.^{۵۱} لذا با ایجاد این دادگاه‌ها، جهت هر چه عملی کردن قانون اساسی گام خواهیم برداشت.

گفتار اول: امکان تأسیس دادگاه قانون اساسی

در این خصوص دو نظریه وجود دارد: عده‌ای معتقدند بدون بازنگری در قانون اساسی می‌توان این دادگاه را

^{۴۹} به نقل از روزنامه‌ی ایران، ۱۱/ ۷/ ۱۳۸۱

^{۵۰} شوالیه، ژان ژاک، دولت قانونمند، ترجمه‌ی حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۸۷

^{۵۱} کاتوزیان، ناصر، حکومت قانون و جامعه‌ی مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ص ۱۶

تأسیس نمود، ولی عده‌ای دیگر این امور را مستلزم بازنگری می‌دانند.

بند اول: تأسیس دادگاه قانون اساسی بدون بازنگری در اصول قانون اساسی

از آنجایی که وظیفه‌ی عمده‌ی قوه قضائیه پاسداری از حقوق مردم و پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی (مقدمه‌ی قانون اساسی) است و نیز وظیفه‌ی احیای حقوق عامه و گسترش عدل و نظارت بر حسن اجرای قوانین (اصل صد و پنجاه و ششم قانون اساسی) از وظایف اساسی قوه‌ی قضائیه قلمداد شده است؛ لذا با توجه به اصل یکصد و پنجاه و هشتم، اقدام به تهیه‌ی لوایح قضایی نموده و طرح تأسیس تشکیلات لازم در دادگستری را برای صیانت از قانون اساسی مطرح می‌کند. پس ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب موضوعات، از وظایف رئیس قوه‌ی قضائیه می‌باشد. (اصل صد و پنجاه و هشتم قانون اساسی)

بند دوم: ایجاد تشکیلات قضایی، جهت رسیدگی به تخلفات از اصول قانون اساسی، نیازمند بازنگری می‌باشد.

اولاً از آنجایی که رسیدگی به تخلفات احتمالی از اصول قانون اساسی، از موضوعات حقوق اساسی جامعه بوده و در ارتباط مستقیم با حقوق و آزادی‌های حیاتی جامعه محسوب می‌شود. در ثانی، موضوع پیگیری نظارت بر اجرای قانون اساسی، بر عهده‌ی رئیس‌جمهور می‌باشد (اصل صد و سیزدهم قانون اساسی)، پس نمی‌توان آن را از دعاوی عادی و همگانی دادگستری تلقی نمود. رسیدگی به تخلفات از قانون اساسی، مستلزم اقتدار کافی نسبت به سایر قوا می‌باشد و انحصار این اختیار، در یک قوه‌ی خاص، با لحاظ ضعف نظارتی قوا نسبت به یکدیگر، عملاً کار را با اخلال مواجه نموده است. به نظر می‌رسد اختصاص نظارت اجرایی رئیس‌جمهور بر اصول قانون اساسی بنا به جنبه‌ی ریاست قوه‌ی مجریه نبوده و عطف به مقام دوم ایشان می‌باشد.

گفتار دوم: ویژگی‌های دادگاه صیانت از قانون اساسی

تأسیس دادگاه یا شعبه دادرسی ویژه، نسبت به قانون اساسی، گامی بلند در جهت صیانت و پاسداری از اصول قانون اساسی می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی‌های این دادگاه عبارت‌اند از:

۱. دارای اختیاراتی فوق حاکم کشور باشد.
۲. ناشی از حاکمیت ملی و اراده عمومی باشد.
۳. قضاتی با اوصاف عالی و برجسته باشند.
۴. دارای صلاحیت عام نسبت به همه مقامات کشور باشند.
۵. دعاوی مطروحه، علنی باشد.
۶. رسیدگی با حضور هیأت منصفه و با مصونیت سیاسی آن‌ها باشد.
۷. آرای آن‌ها در روزنامه رسمی چاپ شود.

مبحث دوم: طرح تشکیل دادگاه عالی صیانت از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بعد از احساس ضرورت در این زمینه، نهایتاً طرح تشکیل این دادگاه در دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی از سوی نمایندگان مطرح شد. بعد از بررسی و گزارش کمیسیون در شور اول، این طرح در مجلس رأی نیاورد و رد شد. طرح مذکور مجدداً در سال ۱۳۷۶ و در دوره‌ی پنجم مجلس شورای اسلامی، مجدداً مطرح گشت، اما باز هم به علت اختلاف نظر و اشکالات مطرح شده، به رأی گذاشته نشد.^{۵۲}

گفتار اول: اشکالات و معایب طرح تأسیس دادگاه عالی صیانت از قانون اساسی

حال پس از یادآوری متن اولیه‌ی این طرح، به ذکر معایب آن خواهیم پرداخت. در واقع، طرح مذکور، با ایجاد

^{۵۲}. ر.ک به متن پیشنهادی طرح تشکیل دادگاه عالی صیانت از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ضمانت اجرای کافی در جهت صیانت از قانون اساسی و برخورد با مقاماتی که اصول قانون اساسی را نقض نموده اند، گامی بلند در جهت حفظ اصول قانون اساسی برداشت. از سوی دیگر، این دادگاه باید برخاسته از اراده جامعه و با نظارت و هدایت مردم تشکیل و ادامه کار بدهد. لذا می توان به طور خلاصه معایب زیر را برشمرد:

۱. عدم شمول اراده ی این دادگاه به نهاد رهبری و نهادهای زیر نظر ایشان
 ۲. انتصاب از جانب مقامات قوه ی قضاییه
 ۳. عدم الزام قضات به رسیدگی در دادرسی ها
 ۴. کم رنگ بودن نقش رئیس جمهور در خصوص این دادگاه
 ۵. عدم پیش بینی هیأت منصفه در هنگام رسیدگی
 ۶. احتمال وجود یک دستگاه قضایی با اقتدارات وسیع در جهت تضییع حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی
- بنابراین با توجه به این معایب، تأسیس و طرح اولیه آن، همان طور که اشاره شد هر دو بار تصویب نشد. حتی به نظر عده ای^{۵۳} (من جمله دکتر مهرپور)، این دادگاه، یک دادگاه اختصاصی تلقی شده و چون در قانون اساسی پیش بینی نشده است، نمی تواند با قانون عادی ایجاد شود. به نظر نگارنده، می توان با رفع معایب این دادگاه، طرح پیشنهادی را در این زمینه ارائه کرد و با ایجاد این دادگاه، جهت صیانت قانون اساسی، گامی برداشت.

^{۵۳}. مهرپور، حسین، رئیس جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی، مجله ی حکومت اسلامی، سال ششم، شماره دوم، ص ۲۳

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف: نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد برای تبیین مفهوم و محدوده‌ی مسوولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور، مانند هر مسوولیت دیگر، باید دو قاعده را در نظر گرفت: اول آن که مسوولیت به هر اندازه که باشد، باید ابزار و ضمانت اجرای کافی در اختیار مسوول باشد و دوم آن که مسوولیت بدون پاسخگویی، معنا ندارد.

بی‌شک مسوولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی در حوزه ریاست وی بر قوه‌ی مجریه، امری معقول و مطابق اصول ۶۰-۱۳۴-۱۳۶ و سایر اصول می‌باشد. اما اعطای این مسوولیت در سایر قوا بر عهده رئیس‌جمهور، با هیچ یک از دو قاعده‌ی مذکور، سازگار نیست؛ زیرا اولاً نه ضمانت اجرای کافی برای این امر دارد و اگر هم دخالت کند، استقلال و تفکیک قوا را مخدوش می‌سازد، ثانیاً، یقیناً نمی‌توان رئیس‌جمهور را به استناد عدم اجرا یا نقض اصولی از قانون اساسی در محاکم دادگستری و یا مجلس شورای اسلامی مورد بازخواست قرار داد. به این ترتیب مسوولیت اجرای قانون اساسی در سایر قوا، اگر واقعاً به معنای مسوولیت، آن هم برای اجرا باشد، امری ناپسند و غیرقابل تطبیق با قانون اساسی و معیارهای کلی حقوق است. به هر حال عبارت «مسوولیت اجرای قانون اساسی، بر عهده رئیس‌جمهور است» در اصل ۱۱۳ قانون اساسی وجود دارد، تنها راه‌حلی که هم به اطلاق، این عبارت و هم محذورات را برطرف می‌کند، این است که؛ یکی از راه‌های میانه جهت این ابهام، در تقدیر گرفتن واژه «نظارت» در عبارت مذکور و تغییر محل بحث، از محدوده‌ی این مسوولیت به مفهوم آن است. به عبارت دیگر آیا نمی‌توان گفت: رئیس‌جمهور مسوول نظارت بر اجرای قانون اساسی در همه‌ی قوا است و نه مسوول اجرای آن؟ این وجه، قابل جمع با واژه‌ی پاسدار قانون اساسی در اصل ۱۲۱ و با برداشت مفسر رسمی قانون اساسی (شورای نگهبان) نیز قابل انطباق است. زیرا آنچه شورای نگهبان، به ویژه با تأیید مواد ۱۳ تا ۱۶ قانون حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری پذیرفته است، چیزی فراتر از نظارت و بازرسی نیست و حتی اخطار و تذکر به سایر قوا هم می‌تواند، نفی استقلال قوا، تلقی نشود. زیرا این اخطار و تذکر، دخالت و اقدام عملی در حوزه‌ی اختیارات قوای مقننه و قضاییه را تجویز نمی‌کند. حتی اگر اختلاف نظر جدی رئیس‌جمهور با قوای دیگر بر سر مفاد قانون اساسی، پیش آید، موضوع با تفسیر مرجع رسمی (شورای نگهبان) و یا با تصمیم و اقدام رهبری به عنوان حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه (اصل صد و دهم قانون اساسی)، خاتمه می‌یابد و این نتیجه با تفسیر اخیر شورای نگهبان در سال ۱۳۹۱ نیز تعارض ندارد؛ چرا که این شورا در تفسیر خود نگران دخالت و خدشه به کارکرد سایر حوزه‌های قدرت می‌باشد و با این نتیجه‌ی پژوهش در تعارض نخواهد بود. به این ترتیب:

۱. ظاهر اصل ۱۱۳ در حد امکان محفوظ مانده است.

۲. استقلال و تفکیک قوا مخدوش نشده است.

۳. مرجع قانونی برای نظارت بر اجرای قانون اساسی وجود خواهد داشت تا با کشف، بازرسی، پیگیری، اقدام لازم، اخطار، تذکر، اعلام آمار برای استمداد از افکار عمومی و گزارش به عالی‌ترین مقام رسمی (رهبری)، قانون اساسی را دارای ضمانت اجرای نموده و محدوده اختیار رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی را مشخص می‌سازد. فقدان چنین مرجعی در قانون اساسی یک خلأ مهم خواهد بود. نهایتاً در این پژوهش علاوه بر تفصیل ماهیت حقوقی و میزان اختیار رئیس‌جمهور، ایجاد راهکارهای مناسب، جهت ضمانت اجرا بخشیدن به این مهم، از اصل ۱۱۳ و سایر قوانین مرتبط، رفع ابهام گشت. آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که، ضمانت اجرای این اهرم نظارتی، توسط رئیس‌جمهور می‌بایست به طور کامل و کارآمد به اجرا درآید، تا زمینه استقرار کامل مردم‌سالاری دینی^{۵۴} در این کشور فراهم گردد ان شاء الله.

ب: پیشنهادها

جهت نیل به یک نتیجه‌گیری مطلوب، ابتدا راهکارهایی را ارائه می‌دهیم. همان‌طور که در مباحث قبلی اشاره شد، راهکارهایی را بعضی از نمایندگان مجلس، رؤسای‌جمهور و صاحب‌نظران ارائه داده‌اند. این موارد نظیر: تشکیل کمیته بازرسی، تصویب قوانین عادی، اخطار و تذکر قانون اساسی از سوی مقامات، تشکیل هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای

^{۵۴}. ملک افضلی اردکانی، محسن، *فرآیند نظارت بر زمامداران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران پردیس قم، ۱۳۸۰، ص ۷۸

قانون اساسی می‌باشد، لکن نمی‌توان پذیرفت که شأن اجرایی اصول قانون اساسی رعایت شده است. راهکارهای ارائه شده، کارآیی لازم را نداشته و اصولاً ابهامات اساسی در مورد ماهیت حقوقی و میزان اختیار رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی وجود دارد، که به شرح آن پرداختیم. در پاسخ به ابهامات موجود، پیشنهادهای به شرح زیر اعلام می‌شود:

۱. حمایت فرهنگی از قانون اساسی: هر جامعه‌ای برای رشد خود، نیاز به آگاهی دارد. جامعه‌ی ما بیشتر از تجاوز به قوانین رنج برده است تا از کمبود قوانین، لذا حمایت افکار عمومی و خواست عمومی، نسبت به اجرای اصول قانون اساسی، بسیار مؤثرتر از راهکارهای سیاسی و قضایی خواهد بود.

۲. آموزش و ترویج همگانی اصول قانون اساسی: در این خصوص پیشنهاد می‌گردد، آموزش اصول قانون اساسی حتی از دوره‌ی راهنمایی و از طریق رسانه‌های گروهی انجام گیرد، تا تبادلات فکری طبقات جامعه در مورد اصول قانون اساسی، تجزیه و تحلیل شود.

۳. پذیرش استناد به اصول قانون اساسی در دعاوی: متأسفانه در کشور ما چنین است که در دعاوی مطرح شده و در لایحه‌های حقوقی و کلاء، قضات به اصول قانون اساسی اهمیت نمی‌دهند و قاضی فقط به قوانین عادی اهمیت می‌دهد.^{۵۵} حال شگفت آن است که تمامی حقوقدانان در سراسر دنیا به برتری قانون اساسی، اتفاق نظر دارند. پس شایسته است با اهمیت دادن به استناد اصول قانون اساسی، قانون اساسی را از حالت شعار به حالت عمل درآورد و فقط در این صورت است که می‌توان اطمینان پیدا کرد که با نظارت مردم و ابتکار دادگاه‌ها در تمیز حق، از قانون اساسی حمایت می‌شود.^{۵۶}

۴. ارج نهادن به تمام اصول قانون اساسی: عده‌ای با طرح اصول اهم و مهم، سعی در کم‌رنگ کردن این اصول نموده‌اند؛ مثلاً اصل چهارم را بسیاری اصلی مهم می‌دانند، اما این مسأله نباید دیگر اصول من جمله منع شکنجه، منع تفتیش عقاید و ... را کم‌رنگ نماید. با توجه به جایگاه رفیع اصول قانون اساسی، تمام قوا و مردم باید خود را مسوول اجرای آن بدانند و تنها نظارت بر اجرای قانون اساسی بر عهده‌ی رئیس‌جمهور باشد.

۵. اصلاح قوانین موضوعه در جهت اجرای اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی: اشاره‌ای به قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری شد و معایب و محاسن آن بررسی گردید. اما در هر صورت، جهت مرتفع نمودن ابهامات موجود در اصل یکصد و سیزدهم، با توجه به مشکل بودن امر بازنگری، بهترین شیوه در وضعیت فعلی، تصویب قوانین عادی می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد در این حالت به رئیس‌جمهوری، عنوان مدعی‌العموم نسبت به اصول قانون اساسی بدهند، تا رسالت اصل یکصد و سیزدهم و یکصد و بیست و یکم در خصوص پیگیری اجرای اصول قانون اساسی را، هرچه بهتر اجرا کند.

۶. تفویض اختیار اجرای قانون اساسی به مقام رهبری: عده‌ای^{۵۷} (من جمله مرحوم دکتر عباسعلی عمیدزنجانی) اعتقاد به تفویض اختیار اجرای قانون اساسی به رهبر دارند. چرا که اختیارات رهبر، بسیار گسترده‌تر است و مقام اول رسمی، می‌باشند. همچنین بعد از اصلاح قانون اساسی، وظیفه تنظیم قوای سه‌گانه را از ریاست‌جمهوری به رهبری داده‌اند و اعتقاد دارند که روح قانون اساسی، این وظیفه را از رهبری خواسته است. زیرا بعد از اصلاحات، مسوولیت سیاسی، برای وی پیش‌بینی گشت. همچنین تنظیم روابط سه قوه از وی سلب گشت، ولی مسوولیت اجرای قانون اساسی، ابقاء شد و این ابقا را نوعی مسامحه می‌دانند.

۷. طراحی دادگاه صیانت از قانون اساسی: این راهکار به تفصیل در بحث قبلی شرح داده شد، اعتقاد ما بر این است که ایجاد این دادگاه، با لحاظ رفع معایب آن و به خصوص پررنگ تر نمودن نقش رئیس‌جمهور در این دادگاه به عنوان مدعی‌العموم، و با هدایت و مشورت مقام رهبری، ضروری می‌باشد.

۸. تأکید بر جایگاه و شأن رئیس‌جمهور با توجه به مقام رسمی دومی (فارغ از ریاست وی بر قوه مجریه): با توجه به نص اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی، پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام، و ریاست قوه مجریه به جز امور مربوط به رهبری و نیز مسوول اجرای قانون اساسی می‌باشد. به این ترتیب، تکیه قانون اساسی بر رئیس‌جمهور،

^{۵۵}. کاتوزیان، ناصر، گامی به سوی عدالت، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۲

^{۵۶}. همان، ص ۱۳

^{۵۷}. عمیدزنجانی، عباسعلی، رئیس‌جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی، مجله‌ی حکومت اسلامی، سال ششم، شماره دوم، ص ۳۴

جهت اجرای قانون اساسی، بیشتر ناظر به مقام رسمی ایشان است و وی را مسوول اجرای قانون اساسی می داند.^{۵۸} لذا تقویت جایگاه ایشان با توجه به منتخب مردم بودن و قطع نظر از ریاست قوه‌ی مجریه بودن، می‌باشد.^{۵۹}

۹. اعطا و پسندیده قلمداد نمودن تشکیل هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، مثل نهاد آموذمان در غرب؛ یعنی تشکیل یک نهاد غیرقضایی که در موارد نقض حقوق اساسی و بنیادین مردم، رسیدگی کرده و حسب مورد از طریق رسانه‌ها، نتیجه را اعلام کند.^{۶۰}

۱۰. تفکیک قائل شدن به نظارت سلسله مراتبی، تعقیبی و ارشادی از سوی رئیس‌جمهور: قسم نخست را در قوه مجریه و قسم دوم را در قالب اعلام شکایت به قوه قضاییه در صورت مشاهده تخلف، می‌تواند اعمال کند. قسم سوم ناظر به موردی است که از قانون اساسی تخلف شده اما تعقیب، امکان‌پذیر نیست. در اینجا رئیس‌جمهور طبق ماده ۱۵ قانون تعیین حدود اختیارات ریاست جمهوری، اقدام به تذکر و اخطار می‌کند.^{۶۱}

۵۸. اسماعیلی، محسن، جایگاه و مسوولیت‌های رئیس‌جمهور، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۹

۵۹. جوان، آراسته، گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵

۶۰. رحمت‌الهی، حسین، خلاء قانونی؛ تفسیر شورای نگهبان مرجعی برای مردم باقی نمی‌گذارد، مجله‌ی آسمان، ۱۳۹۱، شماره ۱۹، ص ۲۵

۶۱. هاشمی، سیدمحمد، مسوولیت اجرای قانون اساسی نظارت را هم شامل می‌شود، مجله‌ی آسمان، ۱۳۹۱، شماره ۱۹، ص ۲۲

الف: فارسی

۱- کتاب‌ها

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، **حقوق اداری ایران**، تهران، نشر سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶
۲. اسماعیلی، محسن، **جایگاه و مسوولیت‌های رئیس‌جمهور**، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴
۳. ایمانی، عباس، قطمیری، امیررضا، **قانون اساسی در نظام حقوقی ایران**، تهران، نشر نامه هستی، چاپ اول، ۱۳۸۸
۴. جوان آراسته، حسین، **گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰
۵. حسنی، حسن، **مقامات عالی قوه مجریه در قانون اساسی ایران و فرانسه**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶
۶. ساعد وکیل، امیر، عسگری، پوریا، **قانون اساسی در نظم کنونی**، تهران، مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۷
۷. شعبانی، قاسم، **حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نشر اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۸
۸. شوالیه، ژان ژاک، **دولت قانونمند**، ترجمه‌ی حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۸
۹. عمیدزنجانی، عباسعلی، **کلیات حقوق اساسی**، تهران، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷
۱۰. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل، **بایسته‌های حقوق اساسی**، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۳
۱۱. کاتوزیان، ناصر، **حکومت قانون و جامعه‌ی مدنی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵
۱۲. کاتوزیان، ناصر، **گامی به سوی عدالت**، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷
۱۳. کاشانی، محمود، **اندیشه‌هایی در حقوق امروز**، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۳
۱۴. مقدمه قانون اساسی
۱۵. مجموعه‌ی قوانین سال ۱۳۶۵، چاپ روزنامه‌ی رسمی
۱۶. مهرپور، حسین، **رئیس‌جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی**، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۰، جلد اول
۱۷. مهرپور، حسین، **رئیس‌جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی**، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۰، جلد دوم
۱۸. مهرپور، حسین، **دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی**، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴
۱۹. مهرپور، حسین، **وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی**، تهران، نشر ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۴
۲۰. مهرپور، حسین، **مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۷
۲۱. مهرپور، حسین، **مجموعه نظریات شورای نگهبان**، تهران، نشر کیهان، چاپ اول، ۱۳۸۱، جلد سوم
۲۲. می‌یر، لالو، آندره، دومیشل، **حقوق عمومی**، ترجمه‌ی ابوالفضل قاضی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۶
۲۳. مدنی، جلال‌الدین، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران، نشر همراه، چاپ سوم، ۱۳۷۳
۲۴. هاشمی، سیدمحمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نشر میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۳، جلد دوم
۲۵. یزدی، محمد، **قانون اساسی برای همه**، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۵

۲- مقاله‌ها

۱. اسماعیلی، محسن، **نقش رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی**، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳، شماره ۲۲

۲. انصاری، مجید، **تفکیک و تعامل قوا**، مطرح شده در همایش سالانه چهارم و پنجم، هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳
۳. رحمت‌الهی، حسین، **خلاء قانونی تفسیر شورای نگهبان مرجعی برای مردم باقی نمی‌گذارد**، مجله‌ی آسمان، شماره ۱۹
۴. طاهری جبلی، محسن، **قانون اساسی، نظارت، اجرا، مجله‌ی راهبرد**، ۱۳۷۹، شماره ۱۸
۵. علی‌خانی، علی‌اکبر، **نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه‌ی پژوهش دانشگاه امام صادق (ع)، پاییز ۱۳۸۳
۶. شماره ۲۳
۷. عمیدزنجانی، عباسعلی، **رئیس‌جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی**، مجله‌ی حکومت اسلامی، سال ششم، شماره دوم
۸. غرویان، محسن، **بررسی وظایف و اختیارات رهبر و رئیس‌جمهور ایران در مقایسه با وظایف و اختیارات عالی‌ترین مقامات در سه کشور امریکا، فرانسه و انگلستان**، مجله‌ی معرفت، شماره ۴۳
۹. کاشانی، سیدمحمود، **تفکیک‌قوا، بررسی لایحه‌ی تعیین حدود اختیارات رئیس‌جمهور**، مجله‌ی کانون و کلا، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۱۷۸
۱۰. گرجی، علی‌اکبر، **هیأت نظارت بر اجرای قانون اساسی: تاملی درباره اصل ۱۱۳ قانون اساسی**، سایت شخصی دکتر گرجی، مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۹۱.
۱۱. مهرپور، حسین، **مسوولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی**، مطرح شده در همایش ۴ و ۵ سالانه همایش هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی
۱۲. هدایت‌نیا، فرج‌الله، **نقد و بررسی لایحه اصلاح قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری**، مجله‌ی رواق اندیشه، شماره ۱۵
۱۳. هاشمی، سیدحسین، **قانون‌گرایی، از شعار تا واقعیت**، مجله‌ی رواق اندیشه، شماره ۱۱
۱۴. هاشمی، سیدمحمد، **مسوولیت اجرای قانون اساسی نظارت را هم شامل می‌شود**، مجله‌ی آسمان، ۱۳۹۱، شماره ۱۹
۱۵. مهرپور، حسین، **رئیس‌جمهور و مسوولیت اجرای قانون اساسی**، مجله‌ی حکومت اسلامی، سال ششم، شماره دوم
۱۶. هاشمی، سید محمد، **قانون اساسی و حاکمیت مردم**، مطرح شده در همایش سالانه چهارم و پنجم، هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳.
۱۷. هاشمی، سید محمد، **مدیریت سیاسی**، انتشارات رئیس‌جمهوری، ۱۳۸۲.
۱۸. هاشمی، حسین، **قانون‌گرایی از شعار تا واقعیت**، مجله‌ی رواق اندیشه، شماره ۱۱.

۳- قوانین

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. قانون اساسی فرانسه
۳. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران
۴. قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران
۵. قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهوری مصوب ۱۳۶۵
۶. قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۴/۴
۷. قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۵
۸. قانون برنامه اول توسعه مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱
۹. قانون برنامه دوم توسعه مصوب ۱۳۷۳/۹/۲
۱۰. قانون جلب سرمایه‌های خارجی مصوب ۱۳۳۴

۴- پایان نامه‌ها

۱. صالحی، علیرضا، نقش رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۸۲
۲. عباسی، علی، عوامل مؤثر بر تضمین اجرای حقوق و آزادی‌های عمومی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
۳. قاسمی ساغند، علیرضا، تعارضات بحث حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با نگاهی ویژه به وظایف و اختیارات رهبری و رئیس‌جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
۴. کیانوش‌راد، محمد، تأثیر عدم‌اجرای قانون اساسی مشروطه و نقش آن در تحول اندیشه و مواضع روحانیت ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
۵. متانی بورخیلی، محمدعلی، مسوولیت رئیس‌جمهور در مقابل ملت و مجلس شورای اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
۶. ملک‌افضلی‌اردکانی، محسن، فرآیند نظارت بر زمامداران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
۷. موسوی، مرتضی، راهکارهای نظارت بر اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱

۵- روزنامه‌ها

۱. آیه‌الله جنتی، روزنامه جام‌جم، مورخه دوشنبه ۱۳۸۹/۳/۲۴، صفحه دوم، بخش سیاسی
۲. رهامی، محسن، روزنامه ایران، صفحه‌ی سیاسی، شنبه ۱۳۸۱/۶/۹
۳. الهام، غلامحسین، روزنامه ایران، چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۸۱